

تبیین فرایند اجتماعی شدن فرزندان در تجارب والدین

جعفر نوایی^۱، رضا نگارنده^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: از دیرباز تا به امروز مسأله تربیت فرزندان مهم‌ترین دل‌مشغولی پدران و مادران بوده است. از این رو، مطالعه حاضر با هدف تبیین فرایند اجتماعی شدن فرزندان در تجارب والدین صورت گرفت.

روش: پژوهش به روش نظریه مبنایی انجام یافت. شرکت کنندگان ۳۰ تن از والدین ساکن تهران بودند که به دو روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و نظری انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختارمند طی سال‌های ۹۳-۱۳۹۲ صورت گرفت. داده‌ها با استفاده از روش Strauss و Corbin تحلیل شد.

یافته‌ها: چهار فرایند "گفت و شنود"، "کنترل"، "فضاسازی و مدیریت روابط" و "کسب آمادگی" به عنوان فرایندهای اصلی شناسایی شد؛ در حالی که در تعدادی از خانواده‌ها الگوهای با کیفیت گفت و شنود مورد استفاده قرار می‌گرفت، برخی اعتقاد چندانی به کارایی گفتار نداشتند. در مواردی هم واژه دوم گفت و شنود حذف شد و حالت تک‌گویی به خود گرفت. همچنین، کنترل به اشکال مختلف انجام یافت و معطوف به حفظ فرزندان از مخاطرات اجتماعی بود. خلق فضاهای مدیریت شده توسط والدین فرایندی بود که برای ایجاد، حفظ و ارتقای رفتارهای مطلوب و نیز تغییر یا حذف رفتارهای نامطلوب استفاده شد. در نهایت، با توجه به این که اکثر والدین آمادگی کافی برای پرورش فرزندان نداشتند، در مواجهه با مشکلات به صورت‌های مختلف به کسب آمادگی پرداختند.

نتیجه‌گیری: در فرایند اجتماعی کردن فرزند مهم‌ترین تأکید والدین، حفظ فرزندان از خطرات است و در عین حال می‌کوشند تا زمینه پیشرفت آنان را با کنترل و مدیریت شرایط فراهم کنند.

کلید واژه‌ها: فرزندپروری، اجتماعی شدن، نظریه مبنایی، والدین، ایران

ارجاع: نوایی جعفر، نگارنده رضا. تبیین فرایند اجتماعی شدن فرزندان در تجارب والدین. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۵؛ ۵ (۴): ۳۷۶-۳۸۶.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲

۱- کارشناس ارشد، مرکز پژوهش‌های سلامت مبتنی بر مشارکت جامعه، پژوهشکده کاهش رفتارهای پرخطر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲- استاد، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

Email: rnegarandeh@tums.ac.ir

نویسنده مسؤول: رضا نگارنده

مقدمه

اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد شده است، تبدیل می‌شود (۱). عوامل مهم اجتماعی شدن کودکان عبارت از خانواده، گروه همسالان، مدرسه و رسانه‌های همگانی هستند. از این بین، در همه فرهنگ‌ها خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک است (۲) و انتقال دهنده اصلی ارزش‌ها، اصول اخلاقی، آرمان‌ها، عادت‌ها و شیوه‌های تفکر و عمل به شمار می‌رود (۳). توجه به مسأله تربیت فرزندان در خانواده، شاید قدمتی نزدیک به قدمت پا گرفتن نهاد خانواده داشته باشد. در اکثر متون کهن اعم از مذهبی، فلسفی و تربیتی، این موضوع از مباحث اصلی بوده و محوریت آن تا به امروز حفظ شده است. نکته قابل توجه این است که از دیرباز تا شروع عصر جدید، تلاش خانواده‌ها و جامعه این بوده که فرزندان خود را بر اساس سنت‌های به ارث رسیده از پدران خود تربیت نمایند (۱). همچنین، ویژگی مهم و استمرار یابنده این دوران طولانی از زندگی بشری وجود الگوهای تعریف شده و مقبول برای تربیت فرزندان بوده است.

در دنیای جدید این مسأله مهم هم مانند سایر مسایل دست خوش تغییر و تحولات عمیق و گسترده شده و الگوهای تعریف شده و مورد قبول همگانی تربیت فرزند، انسجام و مقبولیت خود را از دست داده و در نتیجه این مسأله کهن صورت و ماهیتی نو یافته است (۴). در یک نگاه کلی، شاید مهم‌ترین ویژگی عصر حاضر تغییرات اجتماعی با سرعتی بی‌سابقه باشد. هم جوامع موسوم به توسعه یافته و هم جوامع در حال توسعه با ساختارهای اجتماعی متفاوت در این ویژگی با هم مشترک می‌باشند. در نتیجه، اجتماعی شدن کودکان نیز در یک چنین متن اجتماعی به کلی متفاوت با گذشته، شکل گرفته و رخ می‌نماید (۵، ۱).

جوامع توسعه یافته، پس از پشت سر گذاشتن دوران پیشا مدرن، ساختار اجتماعی مدرن پیدا کرده‌اند، ولی این ساختار به خصوص، در دهه‌های اخیر در اثر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک سریع، با تغییراتی بی‌سابقه و غیر قابل پیش‌بینی

مواجه شده است؛ به طوری که این جوامع در حال ساختارزدایی و ساختاریابی مداوم هستند و یک جنبه از آن را Giddens "گسترش دامنه بازانديشی اجتماعی" می‌نامد (۵). به این معنی که جوامع برای مواجهه با مسایل خود نیاز دارند که با سرعتی هماهنگ با تغییرات سریع، الگوها و راه‌حل‌های جدید و متناسب با آن را تدارک ببینند. در جوامع در حال توسعه، شرایط تا حدی متفاوت است. در این جوامع ساختار سنتی تا حدود زیادی انسجام و قدرت خود را از دست داده و در عین حال هنوز ساختار جدید و منسجمی جای ساختار اجتماعی سنتی را نگرفته است (۴). به عبارت دیگر، این جوامع در حال گذار می‌باشند. ویژگی مهم این دوران ساختارزدایی اجتماعی، به تبع و همراه با آن ایجاد خدشه در نظم ذهنی مردم به مثابه بازیگران اجتماعی است. چنین حالتی "بی‌هنجاری اجتماعی" (Anomy) نامیده می‌شود. بر این اساس هر گونه دگرگونی سریع در ساختار اجتماعی که به هم پاشیدگی شبکه‌هایی بیانجامد، احتمال وقوع بی‌هنجاری اجتماعی را افزایش می‌دهد (۶). در این شرایط الگوهای اجتماعی و همچنین، الگوهای ذهنی مشخص و تعریف شده کافی برای انجام امور وجود ندارد. این پدیده باعث تردید، تزلزل و سردرگمی بازیگران اجتماعی (مردم) می‌شود. به عنوان مثال در یک پیمایش کشوری (که تازه‌ترین اطلاعات جامع در دسترس است)، در جواب این سؤال که "آیا مردم در مورد مقولاتی از قبیل آزاد گذاشتن یا کنترل فرزندان، تشخیص آدم خوب از بد، تشخیص مسؤولان دلسوز از جاه‌طلب و رعایت قانون یا پارتی‌بازی دچار سردرگمی (شک و دو دلی) هستند یا خیر؟" به ترتیب ۷۲، ۷۹، ۷۰ و ۶۳ درصد جواب بلی دادند (۷).

در عین حال که مسأله تربیت فرزندان مهم‌ترین دل‌مشغولی پدران و مادران است، مطالعات متعدد موجود در این عرصه بیشتر سبک‌های فرزندپروری (مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیر) را با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد و ارتباط این سبک‌ها با متغیرهای متعددی چون طرزحوازه‌های ناسازگار اولیه، کمال‌گرایی والدین، گسست نسلی، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار داده است (۸-۱۲). اگر

مطالعه بودند، هماهنگی بعدی جهت انجام مصاحبه حضوری به عمل آمد. محل مصاحبه بر اساس تمایل و راحتی مشارکت کنندگان تعیین شد. به این صورت که مصاحبه‌ها در مراکز بهداشتی و درمانی، محل کار مشارکت‌کننده‌ها، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران و چند مورد در پارک انجام یافت.

گردآوری داده‌ها با مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختارمند طی سال‌های ۹۳-۱۳۹۲ صورت گرفت. برای هدایت جریان مصاحبه از راهنمای مصاحبه استفاده شد. بر همین اساس، مصاحبه ابتدا با سؤالات کلی و با کمترین ساختار ممکن شروع گردید. به طور مثال "تجارب خود را در مورد جنبه‌های مهم پرورش (تربیت) فرزندانان توضیح دهید؟" در ادامه متناسب با توضیحات شرکت‌کننده سؤالات اختصاصی و کاوشی مانند "روش‌های فرزندپروری خود را از کجا آموخته‌اید؟"، "این روش‌ها چقدر شما را به اهداف مورد نظرتان رسانده‌اند؟"، "آیا در این روش‌ها تجدید نظر کرده‌اید؟ چرا و چگونه؟"، "چه عواملی در انتخاب روش‌های فرزندپروری شما تأثیر داشته است؟" و "دغدغه‌های اصلی شما در مورد فرزندپروری چیست؟" مطرح شد.

طول مدت مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه بود. جهت افزایش دقت مطالعه پس از کسب اجازه از شرکت‌کنندگان صحبت‌ها ضبط و بلافاصله پس از جلسه مصاحبه مطالب ضبط شده کلمه به کلمه نوشته شد. به منظور غوطه‌ور شدن در داده‌ها، در چند نوبت و به دقت به مصاحبه‌ها گوش داده شد. تحلیل داده‌ها همزمان با گردآوری آن‌ها صورت گرفت و یافته‌های هر مصاحبه در تعیین سؤالات مصاحبه بعدی تأثیر داشت. بدین شکل که با ظهور طبقات و مفاهیم در جریان تحلیل داده‌ها مسیر مصاحبه‌های بعدی مشخص شد. بدان معنی که سؤالات بیشتر برای روشن شدن جوانب با وضوح کمتر در پدیده مورد بررسی و غنی‌تر کردن طبقات پدیدار شده از نظر ویژگی‌ها و ابعاد مطرح شد.

جهت تحلیل داده‌ها و به منظور شناسایی فرایند اجتماعی شدن فرزندان، از ابزارهای تحلیلی مانند پرسیدن سؤال از داده‌ها (سؤالات حساس‌کننده، سؤالات تئوریکال، سؤالاتی که

چه تحقیقات کمی برای اندازه‌گیری پدیده‌ها و بررسی همبستگی متغیرها مناسب بوده و در جای خود ارزشمند است، ولی برای پدیده‌های پیچیده‌ای مانند اجتماعی شدن فرزندان که به شدت تحت تأثیر و در تعامل با زمینه (عوامل اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان، میانه و خرد) قرار دارد (۳)، تحقیقات کیفی ضرورت می‌یابد. از این رو، در متون بررسی شده جای مطالعه‌ای که به صورت استقرایی و با استفاده از تجارب مستقیم والدین به توصیف و تبیین فرایند اجتماعی شدن فرزندان پرداخته باشد، خالی است که مطالعه حاضر با هدف تبیین فرایند اجتماعی شدن فرزندان توسط والدین صورت گرفت.

روش

در پژوهش برای پاسخ به سؤال مطالعه که اجتماعی شدن فرزندان در تجارب والدین چگونه انجام می‌پذیرد؟ از روش نظریه‌مبنایی نسخه Corbin و Strauss استفاده شد (۱۳). شرکت‌کنندگان پژوهش ۳۰ تن از والدین ساکن تهران بودند که دارای حداقل یک فرزند سن دبستانی و بالاتر بوده، در زمینه موضوع مورد پژوهش تجربه کافی داشتند و قادر به بیان و به اشتراک گذاشتن تجربیات خود بودند.

ابتدا از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و سپس، در روند تجزیه و تحلیل از روش نمونه‌گیری نظری برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. بدین صورت که ابتدا پژوهشگران با راهنمایی یکی از مسؤولان مراکز بهداشتی با یک نفر از رابطان بهداشتی فعال آشنا شدند و به واسطه ایشان با چندین مشارکت‌کننده مصاحبه به عمل آمد. در ادامه با توجه به یافته‌ها و به منظور گسترش ویژگی‌ها و ابعاد طبقات پدیدار شده و پاسخ به سؤالاتی که از تحلیل داده‌های قبلی و مقایسه‌های نظری به وجود آمد، نمونه‌گیری با افراد دارای ویژگی‌های خاص و از طریق جستجو در شبکه ارتباطی محققان (نمونه‌گیری نظری) صورت گرفت. برای جلب همکاری شرکت‌کنندگان، تنظیم زمان و مکان مصاحبه با یکایک شرکت‌کنندگان از طریق تلفن تماس و هدف مطالعه برای آنان شرح داده شد. در صورتی که مایل به شرکت در

حال، آنان در این مرحله، مجموعه‌ای از ارزش‌های فرزندپروری هم در ذهن خود داشته‌اند. ارزش‌هایی مانند محوریت آموزه‌های دینی (پابندی به قرآن و عترت)، اصالت زندگی، معنویت همراه با علم، ادب و نزاکت. والدین با چنین سطحی از آمادگی (شناختی و مهارتی) وارد این عرصه می‌شوند و در عمل آن را بسیار دشوار و پیچیده می‌یابند.

جدول ۱. ویژگی‌های مصاحبه‌شونده‌ها

۱	خانم ۵۰ ساله، دکتر، دارای دو فرزند پسر ۱۸ و ۲۴ ساله
۲	خانم ۳۵ ساله، دانشجو، دارای دو فرزند پسر ۱۵ و ۱۰ ساله
۳	خانم ۳۶ ساله، دکتر، دارای یک فرزند دختر ۱۱ ساله
۴	آقای ۳۴ ساله، لیسانس، دارای یک فرزند دختر ۱۴ ساله
۵	خانم ۳۶ ساله، لیسانس، دارای دو فرزند دختر ۸ سال و هجده ماهه
۶	خانم ۴۶ ساله، لیسانس، دارای دو فرزند دختر ۱۲ و ۱۴ ساله
۷	خانم ۴۲ ساله، دیپلم، خانه‌دار، دارای دو پسر ۹ و ۱۸ ساله
۸	خانم ۳۷ ساله، دیپلم، خانه‌دار، دارای دو پسر ۱۱ و ۱۷ ساله
۹	خانم ۳۲ ساله، دیپلم، خانه‌دار، دارای یک پسر ۹ ساله
۱۰	خانم ۳۵ ساله، دیپلم، دارای یک دختر ۱۶ ساله
۱۱	خانم ۴۲ ساله، دیپلم، خانه‌دار، دارای دو پسر ۲۷ و ۱۶ ساله و یک دختر ۲۴ ساله
۱۲	آقای ۴۹ ساله، دیپلم، دارای یک پسر ۸ ساله
۱۳	آقای ۵۹ ساله، لیسانس، دارای یک پسر ۱۵ ساله
۱۴	آقای ۴۳ ساله، لیسانس، دارای یک پسر ۱۴ ساله و دو دختر ۱۱ ساله و ۴ ماهه
۱۵	آقای ۴۰ ساله، دیپلم، دارای سه دختر ۲۰، ۱۴ و ۱۱ ساله
۱۶	خانم ۳۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، دارای یک دختر ۱۱ ساله و یک پسر ۸ ساله
۱۷	خانم ۳۰ ساله، تحصیلات راهنمایی، دارای یک دختر ۱۳ ساله و یک پسر ۴ ساله
۱۸	خانم ۵۰ ساله، دیپلم، دارای یک پسر ۲۱ ساله و دختر ۱۵ ساله
۱۹	آقای ۴۵ ساله، لیسانس، دارای یک پسر ۱۵ ساله و یک دختر ۳ ساله
۲۰	آقای ۵۰ ساله، تحصیلات راهنمایی، دارای دو دختر ۲۷ و ۸ ساله و دو پسر ۲۴ و ۱۵ ساله
۲۱	خانم ۳۵ ساله، دانشجو، دارای یک دختر ۱۲ ساله
۲۲	خانم ۳۵ ساله، دیپلم، خانه‌دار، دارای یک پسر ۱۵ ساله
۲۳	خانم ۳۵ ساله، دیپلم، دارای دو پسر ۶ و ۱۴ ساله
۲۴	خانم ۴۰ ساله، دانشجوی دکتری، دارای یک دختر ۷ ساله
۲۵	آقای ۳۹ ساله، لیسانس، دارای یک دختر ۷ ساله و یک پسر ۱۸ ماهه
۲۶	آقای ۳۶ ساله، پزشک دستیار داخلی، دارای یک دختر ۱۰ ساله
۲۷	آقای ۳۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، دارای یک دختر ۸ ساله
۲۸	خانم ۲۸ ساله، دیپلم، دارای دختر ۸ ساله
۲۹	خانم ۴۳ ساله، لیسانس، دارای دختر ۱۵ ساله و پسر ۱۲ ساله
۳۰	خانم ۴۴ ساله، لیسانس، دارای یک پسر ۲۵ ساله و سه دختر ۲۳، ۱۶ و ۱۵ ساله

علاوه بر ناکافی بودن آمادگی قبلی، عوامل زمینه‌ای دیگری نیز وجود دارد و یا به تدریج رخ می‌نماید که دشواری و پیچیدگی

بیشتر ماهیت عملی داشت و سؤالات هدایت کننده، مقایسه کردن (مقایسه مداوم و مقایسه نظری)، معانی مختلف یک کلمه، توجه به زبان بدن و توجه به احساساتی که اظهار شد، استفاده گردید. یکی از روش‌های بسیار مهم در تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده از یادآورها بود که در این پژوهش بالغ بر ۳۰ یادآور نوشته شد. جهت مدیریت و سازمان‌دهی داده‌ها از نرم‌افزار OpenCode 3.6.2.0 استفاده شد.

برای ارزیابی استحکام پژوهش حاضر از معیارهای Guba و Lincoln استفاده شد (۱۴). به این منظور، برای تأمین اعتبار، زمان طولانی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها صرف شد. همچنین، از تکنیک‌های مشورت با همکاران، دریافت بازخورد از مشارکت کنندگان، استفاده شد. جهت افزایش انتقال‌پذیری توصیف کاملی صورت گرفت. حساب‌رسی پژوهش برای افزایش قابلیت اعتماد یافته‌ها به کار رفت. محقق تلاش کرد از طریق چند وجهی سازی، تأمل و آگاهی از دیدگاه‌های خود نسبت به موضوع تحقیق به معیار تأییدپذیری دست یابد.

پژوهش در کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی تهران بررسی و به شماره ۱۵۲۰۱-۶۲-۰۴-۹۰ تأیید شد. برای رعایت اخلاق پژوهش اهداف مطالعه به مشارکت کنندگان توضیح داده شد و همچنین، در خصوص اختیاری بودن شرکت در پژوهش، امکان انصراف از مطالعه در هر زمان، محرمانه ماندن مطالب مطرح شده و حفظ بی‌نامی اطمینان داده شد و رضایت آگاهانه اخذ گردید. در ضمن برای ضبط مصاحبه‌ها نیز از مشارکت کنندگان اجازه گرفته شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های مشارکت کنندگان پژوهش در جدول ۱ آمده است. با توجه به این که فرایند اجتماعی شدن فرزندان در زمینه مرتبط با آن رخ می‌دهد و در تعامل مستمر با آن، جریان می‌یابد، از این رو، زمینه این فرایند به اجمال معرفی می‌شود: نقطه شروع و نکته مهم این که به طور تقریبی تمامی والدین، آمادگی قبلی مدون و منسجمی برای پرورش فرزندان خود کسب نکرده بودند. آمادگی آنان منحصر به دیده‌ها و شنیده‌های پراکنده (اعم از وسایل ارتباط جمعی)، تجربیات خانوادگی خودشان و اطرافیان بوده است. در عین

گفت و شنود: یکی از ساز و کارهایی که والدین در تعامل با فرزندان خود به کار می‌گیرند، گفت و شنود با آنان است. استفاده از زبان به اشکال مختلف صورت می‌گیرد، همچنان که معطوف به موضوعات متفاوت نیز می‌باشد، برخی از والدین اعتقاد چندانی به کارایی گفتار ندارند و در بعضی از خانواده‌ها روابط بین والدین و فرزندان، به خصوص پدر و فرزند نوجوان پسر خشک و غیر منعطف است. مادری در این مورد می‌گوید "همه حرفا مونده تو دل پدر مادرا، اصلاً نمیتونن با بچه‌هاشون حرف بزنین" م: ۱۸. بعضی از بچه‌ها هم از همان روش قدیمی واسطه قرار دادن مادر برای رساندن حرفشان به گوش پدر استفاده می‌کنند. در مواردی هم گفت و شنود واژه دومش حذف می‌شود و حالت تک‌گویی به خود می‌گیرد، گوش بچه‌ها پر می‌شود و منجر به این شکایت شایع والدین می‌گردد که بچه‌ها لجاجت و حرف نشنو شده‌اند. با این حال لازم است گفته شود که برخی از والدین به خوبی متوجه این مشکل شده‌اند و بنای رفتار روش تربیتی فرزندان را بر "دو صد گفته چون نیم کردار نیست" گذاشته‌اند. مادر دو پسر، تجربه خود را در این مورد بیان می‌کند: "واقعاً تجربه‌ای که خودم داشتم، به نظرم بچه‌ها اون چیزایی رو که واقعاً می‌بینن، یاد می‌گیرن، تا اون چیزی که می‌شنون." م: ۱. پدری ضمن تأکید بر این که صحبت با دخترش "کاملاً سؤال و جوابی بوده، نه فرمایشی و نصیحت گونه"، اما در ادامه تأکید می‌کند که "دقیقاً آن چه را که از ما (پدر و مادر) دیده یا ندیده، روش تأثیر گذاشته" م: ۴.

با این حال همان گونه که اشاره شد، در تعدادی از خانواده‌ها الگوهای باکیفیت گفت و شنود مورد استفاده قرار می‌گیرد. مادر یک دختر بچه ۷ ساله می‌گوید "ما یه سری خونه‌مون قانون داره، یه تایی می‌شینیم سه‌تایی با هم حرف می‌زنیم، بعد قانون می‌ذاریم و همه موظفیم از اون قانون پیروی کنیم" م: ۲۴. همان گونه که ملاحظه می‌شود، چنین الگویی علاوه بر تمرین گفت و شنود برای کودک، حاوی آموزش عملی مشارکت برای کودک نیز هست. تعدادی از پدر و مادرها هم از روش‌های جذاب‌تر و مؤثرتر گفت و شنود استفاده می‌کنند، به طور مثال روشی که مولوی توصیه می‌کند "خوش‌تر آن باشد که سر دلبران - گفته آید در حدیث دیگران". مادری که از این روش استفاده می‌کند، می‌گوید "بعضی موقع‌ها می‌نشستیم با هم صحبت و درد و دل می‌کردیم. آن‌ها را راهنمایی می‌کردم، این راهنمایی بیشتر در قالب حوادث اتفاق افتاده برای دیگران بود که در لفافه منظور خودم را می‌رساندم" م: ۳۰. یک مادر برای توضیح مسأله‌ای خاص برای

یاد شده را به درجات مختلف تشدید می‌کند. مواردی چون شکل روابط خانوادگی (اعم از خانواده هسته‌ای و خانواده منشأ)، مشکلات خانوادگی، فشار یا تعارض نقش که به طور مثال یک مادر ناگزیر از ایفای نقش به عنوان مادر در خانواده است، همزمان با ایفای نقش به عنوان مدیر در محل کار و یا پدری که به اقتضای شغل خود مجبور است که روزها و یا هفته‌ها از خانواده دور باشد و از ایفای نقش پدری باز ماند. همچنین، مسایل آموزشی (درسی) فرزندان، مسأله روابط دختر و پسر به خصوص، در دوران نوجوانی و جوانی، شکاف نسلی (به معنی تفاوت در افکار، عقاید و رفتار فرزندان و والدین) که در عصر حاضر به دلیل تغییرات سریع جنبه‌های مختلف زندگی روز به روز عمیق‌تر می‌شود، مسایل مربوط به بلوغ فرزندان، ویژگی‌های فعلی فرزندان که به درجات مختلف با ارزش‌های فرزندپروری والدین فاصله یا تضاد دارد. در این میان آن چه بیش از سایر عوامل زمینه‌ای از سوی والدین اظهار و احساس می‌شود، ترس عمیق و دایمی آن‌ها از مشکلات و مسایل اجتماعی متعددی است که فرزندان را تهدید می‌کند و در عین حال خارج از کنترل والدین است. از این رو، این مسأله سایر جنبه‌های فرزندپروری را به طور قابل ملاحظه‌ای تحت الشعاع قرار می‌دهد. در تعامل با زمینه‌ای که توصیف شد، اجتماعی شدن فرزندان با چهار طبقه "گفت و شنود"، "کنترل/ خودمختاری"، "فضاسازی و مدیریت روابط" و "کسب آمادگی" تبیین شد (جدول ۲).

جدول ۲. طبقات و زیرطبقات فرایند اجتماعی شدن فرزندان

طبقات	زیر طبقات
گفت و شنود	گفت و شنود با واسطه فرد ثالث تک‌گویی به جای گفت و شنود گفت و شنود منطقی گفت و شنود غیر مستقیم
کنترل/ خودمختاری	تنبیه بدنی و زندانی کردن محرومیت حفاظت گلخانه‌ای کنترل همراه با صمیمیت و مهربانی نشان دادن محدوده عمل و آزادی برخورد قاطع با خواسته‌های ناموجه
فضاسازی و مدیریت روابط	ایجاد فضای عاطفی/ معنایی ایجاد فضاهایی برای ارتباط با گروه همسالان ایجاد فضاهایی برای ارتباط با گروه‌های مرجع ایجاد فضا برای مواجهه فرزندان با الگوهای مناسب
کسب آمادگی	ایجاد فضای مناسب خانوادگی استفاده از تجربه زیسته یادگیری از طریق مشاور یادگیری از طریق مطالعه کتاب و برنامه‌های تلویزیون

دختر ۱۱ ساله‌اش، سناریوهای مختلف در قالب قصه می‌سازد، م: ۳. پدری می‌گوید "با پسر من شنبینم مسایل را مثل یک فیلم نقد می‌کنیم" م: ۱۴. مادری ضمن اظهار رضایت از نتایج مثبت گفت و شنود با فرزند سومش که نتیجه ازدواج دوم اوست، می‌گوید "از همون اوایل بچگی باهاش صحبت می‌کردم، خوبه الانم خوبه، نتیجه شو واقعاً می‌بینم که خیلی تأثیرگذار بوده. اخلاقش، رفتارش، ولی متأسفانه دوتای قبلی... این مادر تأکید می‌کند که "سر این یکی طبیعتاً مطالعه‌ام زیاد بود، از تجربیات دیگران سعی کردم استفاده کنم" م: ۱۱. پدری با تحصیلات ابتدایی با تأکید فراوان بر مؤثر بودن صحبت با فرزند می‌گوید "بچه با زدن تربیت نمی‌شه، بایستی با بچه صحبت کنی، مثلاً من به بار هم دست بلند نکردم، همیشه از من حساب می‌بره و...، یه دفعه اشتباهی می‌کنه، می‌گه بابا اشتباه کردم ببخشید و... خیلی راضیم" م: ۲۷.

بعد از روش تنبیه بدنی و زندانی کردن، والدین از روش‌های ملایم‌تری نیز برای کنترل فرزندان استفاده می‌کنند. از قبیل ایجاد محرومیت مانند توقیف گوشی موبایل و اعمال محدودیت در روابط خارج از خانه: "فقط مدرسه و باشگاه ورزشی"، به تعویق انداختن خرید گوشی موبایل تا رسیدن کودک به سن قابل قبول. همچنین، پدری به اتخاذ روش حفاظت گلخانه‌ای، در مورد بچه‌ها دست زده است: "مشکلات من، مشکلات جامعه‌ای است که همراه با دین نیست. بنابراین، من حفاظت گلخانه‌ای در مورد بچه‌ها اتخاذ کرده‌ام. ارتباط با افرادی که همفکر و هم عقیده با من باشند، اما چون در جامعه امروز افراد هم عقیده با من کم است، ما یک مقدار محدود شده‌ایم" م: ۱۴.

تعدادی از والدین چون اعتقاد دارند که جامعه بد شده است و نیاز به کنترل فرزند ضرورت دارد، کنترل را همراه با صمیمیت و مهربانی اعمال می‌کنند. برخی دیگر به جای امر و نهی، محدوده عمل و آزادی را نشان می‌دهند و به جای وارد شدن در جزئیات بر اصول تأکید می‌ورزند. همچنین، برخورد قاطع با خواسته‌های ناموجه و در همان حال آزادی عمل دادن به کودک، جدیت منعطف، انعطاف‌پذیری در عین داشتن چارچوب اصلی و... از الگوهای رفتاری معطوف به کنترل / خودمختاری است که والدین اظهار نموده‌اند.

در مواردی هم کنترل بسیار کم‌رنگ می‌شود. مادری می‌گوید: "بچه رو جوروی بار میارم که فکر نکنه یه مادر چماق به دستم، وایستادم تا هرکاری می‌کنه جلوشو بگیرم. یه وقتی هم بچه خوبه خطا کنه. اشکال نداره، بهتره تجربه کنه، این تجربه‌ها براش درسه" م: ۲۴.

فضاسازی و مدیریت روابط: یکی از رفتارهای مهم والدین فضاسازی برای ایجاد، ارتقاء و حفظ رفتارهای مطلوب و همچنین، تغییر یا حذف فضاهایی است که در فرزندان رفتارهای نامناسب ایجاد کرده و یا به اعتقاد والدین احتمال دارد که رفتارهای نامناسب

کنترل / خودمختاری: والدین به اشکال و درجات متفاوت و مختلف فرزندان خود را کنترل می‌کنند و یا به آنان آزادی عمل می‌دهند. اشکال رفتار کنترلی والدین طیف وسیعی را شامل می‌شود، از تنبیه بدنی تا زندانی کردن، این قبیل رفتارها که اغلب معطوف به اهداف کنترلی است و در مواردی همراه با خصومت نیز هست. مادر جوانی می‌گوید "به هر کار اشتباهی که می‌کنن (دو پسر ۶ و ۱۴ ساله)، واکنش سریع نشون می‌دم، چون نمی‌خوام که دیگه این کارو بکنن، داد و بیداد می‌کنم، چیزی پرت می‌کنم، پسر بزرگم رو دو سه تا با دستم بهش می‌زنم، اصلاً قصدم این لحظه زدنش نیست، فقط می‌خوام کاری کنم که مطیع باشه" وقتی از مصاحبه شونده (البته با لحنی مطایبه‌آمیز سؤال می‌شود که برای زدن پسرش از وسیله دیگری استفاده نمی‌کند؟ با خنده می‌گوید "اگه بخوام دنبال وسیله بگردم تو این فاصله از زدن منصرف می‌شم" م: ۲۳. البته همان گونه که اشاره شد، همه تنبیهات بدنی در چنین فضایی و با چنین شکلی اتفاق نمی‌افتد.

مادر ۵۰ ساله‌ای در مورد پسر ۲۱ ساله‌اش می‌گوید "زدمش، یه روز کتکش زدم و... برداشت این فلک رو زد زمین شکست. این تیزی فلک رو برداشت و گفت خودمو می‌کشم، حالا که شما این جوروی منو می‌زنی خودمو می‌کشم" این مادر ادامه می‌دهد که "اجازه نمی‌دم با دوستاش بره مسافرت و... وقتی پیش دوستشه زنگ می‌زنم می‌گم بلند شو بیا خونه" م: ۱۸. در برخی خانواده‌ها خشونت فیزیکی شدت و ابعاد بیشتری می‌یابد. بنا به گزارش یک مادر، پدر خانواده برای کنترل رفتارهای نابهنجار پسر ۱۵ ساله‌اش او را کتک می‌زند و در حمام خانه زندانی می‌کند و می‌گوید "این

به وجود آورد.

این فضاها از یک فضای عاطفی/ معنایی بین یک مادر و دختر "که رازدار هم باشند و رازهایشان را به همدیگر بگویند" م: ۳، تا فضاهایی برای ارتباط با گروه همسالان، گروه‌های مرجع، افراد موفق و فضاهای تفریحی را شامل می‌شود. از نظر محتوا والدین از فضای فکری سالم، ایجاد فضایی که در محیط سالم با جنس مخالف آشنا شود، ایجاد فضا برای رسیدن به اهداف تربیتی، به جای گفتار مستقیم و همچنین، ایجاد نکردن فضاهای نامناسب سخن به میان آورده‌اند.

پدر سه دختر م: ۱۵، از انتخاب افراد و خانواده‌های مناسب و معاشرت و مسافرت خانوادگی با آنان سخن می‌گوید، تا از این طریق هم والدین و هم فرزندان از این فضاهای مناسب چیزهای مطلوب بیاموزند و در عمل "چیزی به عقل و دینشان افزوده شود". مادر جوانی می‌گوید "سعی کردم با مادرهای دوستانه ارتباط داشته باشم و بشناسمشون، تفریح‌های گروهی بیرون از خونه داشته باشیم، دوستانه دعوت می‌کنم خونه باهم باشن و من بینمشون" م: ۲۱. پدری که فقط بیست سال با تنها دختر نوجوانش فاصله سنی داشت، می‌گوید "خواهر برادر که نداره، تک فرزنده و خوب همسن و سالای دور و برش هم کمند که بتونه دایم باهاشون باشه، یا با چند سال بزرگتر از خودش ارتباط می‌گیره یا با چند سال کوچکتر از خودش، حالا من دارم سعی می‌کنم که تعداد همسن هاشو بیشتر کنم، مثلاً دوستای مدرسه ایشو یا دوستای کلاسای مختلف رو که می‌ره، بتونه بیاره خونه، بتونه بره خونه اونا، تحت نظارت من یا مادرش بتونه وقت بیشتری با اونا بگذرونه" م: ۴. مادری که پسر نوجوانش رابطه خوبی با اعضای خانواده نداشت، می‌گوید "از پسر خواهرم که دانشجوی عمرانه خواستم که هر شبی می‌تونه بیاد خونه ما، پسرم خیلی اونو دوست داره، خیلی حرفشو گوش میده و... من هزاری هم بهش بگم که من دوستتم، حرف نوید رو بیشتر قبول می‌کنه و... حالا بتونم به یه جایی برسونمش، از عالم بچگی درش بیارم" م: ۲. پدری ضمن تأکید بر آسیب‌زا بودن برخی از محیط‌های اجتماعی، به خصوص برای نوجوانان، به فضا سازی مناسب خانوادگی اعتقاد دارد، مثل تأکید بر شام خوردن دسته جمعی اعضای خانواده.

تعداد معدودی از والدین هم اظهار داشتند که از الگوسازی و ایجاد فضا برای مواجهه فرزندان خود با الگوهای مناسب استفاده می‌کنند. یک مادر و یک پدر می‌گویند که خودشان با رعایت احترام و ارزش قایل شدن به والدین خود و برجسته کردن آن به

عنوان یک ارزش، برای فرزندان خود الگوسازی نموده‌اند و از این طریق در انتقال این رفتار به فرزندان خود موفق بوده‌اند. پدری درباره فضا سازی برای مواجهه دختر نوجوانش با الگوهای مناسب می‌گوید "مثلاً فرض کنید با دخترهایی که خودم می‌شناسم، سنین مثلاً بیست و چهار پنج سال، حتی تا سی و چهار پنج سال که تجربیاتی دارند که به نظر من خوب و قابل الگوبرداریه برای بچم، با اینا آشناش می‌کنم بدون این که حتی یه بار بگم برو ببین، بین فلانی چه جور زندگی می‌کنه، برو یاد بگیر، نه! فقط بره ببینه، اون شاخص‌های زندگی‌شو ببینه" (۴).

کسب آمادگی: مادر چهار فرزند می‌گوید: "متأسفانه هیچ آموزشی در رابطه با سبک و روش‌های فرزندپروری یاد نگرفته‌ایم، قبل از بچه‌دار شدن فقط به آماده کردن لباس بچه، تخت بچه، اتاق بچه و... فکر می‌کردیم. هیچ روش مناسبی برای بزرگ کردن بچه (دختر یا پسر) نداشتیم، گاهی سهل‌گیر و گاهی مستبد، این جور بچه هم دچار سردرگمی میشد" م: ۳۰. همان گونه که اشاره شد، اکثر والدین آمادگی کافی برای پرورش فرزندان نداشتند و در مواجهه با مشکلات و به صورت‌های مختلف به کسب آمادگی پرداخته بودند. از قبیل استفاده از تجربه زیسته، به طور مثال مادر دو فرزند حاصل تأمل در تجربه خویش را چنین بیان می‌کند "بچه‌ها آن چیزی را که می‌بینند، بیشتر یاد می‌گیرند تا آن چیزی که می‌شنوند. حتی شنیده‌ها در صورت تکرار، مقاومت هم ایجاد می‌کند"، مراجعه به مشاور (روانشناس و مشاور مدرسه)، شرکت در کلاس‌های مرتبط، مطالعه کتاب و استفاده از برنامه‌های تلویزیون. محتوای مهم‌ترین آموخته‌های والدین به شرح زیر بود:

- رفتار والدین در مقایسه با گفتار آنان تأثیر بیشتری بر کودکان دارد.
- ژنتیک تأثیر مهمی در رفتار فرد ندارد، تأثیر رفتار والدین بیش از ۹۵ درصد است.
- تأکید بر ضرورت محبت نامشروط نسبت به فرزند
- دادن آزادی عمل و خودمختاری متناسب با شرایط به کودک
- تأکید بر تأثیر محیط بیرون از خانه (از مهدکودک تا مدرسه، همسالان و معلمان) بر رفتار کودک
- تناقض بین رفتار و گفتار والدین برای کودک مشکل جدی ایجاد می‌کند.
- رفتار خوب و مناسب والدین با پدر و مادر خود، یک الگوی مؤثر تربیتی برای تربیت فرزندان و عامل انتقال ارزش‌های خانوادگی است.

مستبدانه بیشتر، روش‌های انضباطی سخت به کار می‌رود (۳). با این حال، برخلاف نگرش حاکم بر الگوهای فرزندپروری، در دیدگاه‌های جدید اعتقاد بر این است که کیفیت تربیت کودکان به تنهایی محصول نگرش و رفتار تربیتی والدین نیست، بلکه فرایند تربیت یک رابطه دوسویه است و در نحوه تعامل بین والدین و فرزندان، ویژگی‌های فرزندان (مزاج) نیز نقش ایفا می‌کند. بر همین اساس، فرزند در سیر تحول خود فعالانه دخالت دارد (۱۶). به اعتقاد Young و همکاران نیز یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری ارتباط والد-فرزند عوامل زیستی فرزند است. از جمله خلق و خوی هیجانی فرزند که برخی از کودکان تحریک‌پذیر هستند، برخی خجالتی و برخی نیز پرخاشگرند که اکثر این ویژگی‌ها مادرزادی و به نسبت غیر قابل تغییر (در طول زمان) مگر از طریق روان درمانی است (۱۷). از نگاهی دیگر، تکوین جهت‌گیری گفت و شنود در الگوهای ارتباطی خانواده بیانگر میزان فراهم شدن شرایطی است که در آن همه اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه و راحت در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره طیف وسیعی از موضوعات شوند (۱۸).

کنترل/ خودمختاری فرایند دیگر نظریه حاضر است که در یک طیف وسیع از اعمال خشونت فیزیکی شدید و حبس کردن تا تعیین حیطه‌های مشخص کنترل/ خودمختاری برای فرزندان به روش منطقی و پویا، صورت می‌گیرد. این مفهوم، با توجه به عاطفه همراه با آن مورد توجه قرار گرفته است که در آن این دو جنبه در تعامل با یکدیگر چهار الگوی: الف) محبت- خودپویی، ب) محبت- کنترل، ج) تخصص- خودپویی و د) تخصص- کنترل را تشکیل می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که رمز والدگری موفق، نشان دادن حداکثر میزان محبت (کودکان هرگز بر اثر محبت لوس نمی‌شوند)، ضمن حفظ توازن بین خودپویی (خودمختاری) و کنترل است که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد (۳). همچنین، باقری تحت عنوان کنترل و محدودیت می‌نویسد: والدین کنترل‌گر و محدود کننده می‌گویند، نکن، چون اجازه نداری. اولویت اصلی در امان ماندن فرزندان از تهدیدهای مختلف فیزیکی، حوادث، آسیب‌های اجتماعی، از دست دادن موقعیت‌ها و سرمایه‌ها است (۱۶). به

- در فرزندپروری بین ایده‌آل‌های والدین و واقعیت فاصله وجود دارد.
- گوش فرزند اول به دلیل امر و نهی زیاد والدین پر می‌شود و فرزندان بعدی به دلیل امر و نهی کمتر، حرف شنوی بیشتری دارند.
- با بزرگتر شدن بچه‌ها مشکلات هم بزرگتر می‌شود.
- بچه‌ها با یکدیگر تفاوت ذاتی دارند.
- ضروری است که توقعات والدین از فرزندان تعدیل شود.

بحث

زمینه فرایند اجتماعی شدن در مطالعه حاضر با مفاهیم آمادگی قبلی ناکافی، ارزش‌های فرزندپروری، ساختار و مشکلات روابط خانوادگی، فشار نقش، مسایل آموزشی/ درسی فرزندان، مسأله روابط دختر و پسر، شکاف نسلی، ویژگی‌های فرزندان، نگرانی و ترس عمیق والدین از مشکلات و مسایل اجتماعی بیان شد. ارتباط این مفاهیم با سبک‌های فرزندپروری در مطالعات متعدد بررسی شده است (۹، ۱۲، ۱۵).

در نظریه حاصل از مطالعه، در مواجهه والدین با زمینه‌های یاد شده بالا، چهار فرایند فرزندپروری شناسایی شد. این چهار فرایند عبارت از "گفت و شنود"، "کنترل/ خود مختاری"، "فضاسازی و مدیریت روابط" و "کسب آمادگی" بود. مشابه این مفاهیم در اکثر مطالعات با موضوع خانواده و پرورش فرزندان که به روش کمی انجام گرفته است، در قالب سبک‌ها و الگوهای تربیتی استاندارد شده، آمده است. این الگوهای فرزندپروری متنوع بوده و در طول زمان با توجه به نتایج تحقیقات و همچنین، نوآوری در نظریه‌پردازی‌ها دستخوش تغییر و تحول شده است (۱۶).

"گفت و شنود"، یکی از فرایندهایی بود که والدین شرکت کننده در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار دادند. نکته قابل توجه این که "گفت و شنود" هم به صورت منطقی و دوسویه انجام می‌گیرد، هم به صورت غیر منطقی یا نصیحت از موضع بالا و در مواردی هم به تک‌گویی نزدیک می‌شود. همان گونه که اشاره شد، گفت و شنود در غالب سبک‌های استاندارد فرزندپروری هم مشاهده می‌شود. والدینی که از الگوی مقتدرانه استفاده می‌کنند، فعالیت فرزندان خود را به شیوه‌ای منطقی هدایت و آن‌ها را به گفتگو ترغیب می‌کنند. در مقابل در الگوی

است که چنین راهبردی در سطوح مختلف جوامع به اشکال متفاوت اعمال می‌شود (۲۰).

کسب آمادگی والدین، آخرین فرایند فرزندپروری مطالعه حاضر است. نکته مهمی که در زمینه فرزندپروری شرکت کنندگان به آن تأکید نموده‌اند، ناکافی بودن آمادگی و مهارت والدین در نقطه شروع فرزندپروری است. با توجه به چنین زمینه‌ای در تمام طول فرایند فرزندپروری کسب آمادگی یک ضرورت اساسی برای والدین بوده است. عامل اصلی این عدم آمادگی به نظر می‌رسد که شرایط اجتماعی باشد. در جامعه سنتی برای تمام رفتارها از جمله فرزندپروری الگوهای مشخص و قطعی وجود داشت و والدین علاوه بر الزام در اجرای آن‌ها به نوعی حمایت اجتماعی نیز دریافت می‌کردند. این الگوها هر چند ممکن است از دید ناظر امروزی مناسب نباشد، اما کارکرد داشته و متناسب با ساختار کلان نظام‌های اجتماعی بوده است. در دوران معاصر، تغییرات اجتماعی سریع، گسترده، عمیق و در عین حال بی‌سابقه جریان دارد، بیشتر الگوهای رفتاری، عاطفی و شناختی قبلی رنگ باخته است (۴) و هنوز الگوهای نوین جایگزین آن نشده است. به عبارت دیگر، می‌توان به نوعی از بی‌هنجاری اجتماعی یاد کرد که در آن کنشگران اجتماعی در مورد بسیاری از مسایل و مقولات مهم، از جمله نحوه رفتار با فرزندان دچار تردید و سر درگمی هستند. شواهد تأیید کننده این حالت در مطالعه محمدپور و تقوی نیز در قالب "بی‌اعتمادی اجتماعی افراد" نشان داده شده است (۲۱).

نتیجه‌گیری

در مجموع بر اساس یافته‌های مطالعه، در فرایند فرزندپروری مهم‌ترین تأکید والدین، حفظ فرزندان از خطرات است و در عین حال می‌کوشند زمینه پیشرفت آنان را با کنترل و مدیریت شرایط فراهم کنند. از این رو، "تلاش برای مدیریت شرایط با هدف رشد و پیشرفت فرزندان از یک سو و حفاظت آنان از خطرات از سوی دیگر" نظریه ذاتی پژوهش حاضر می‌باشد (شکل ۱). نظریه ذاتی این مطالعه قابلیت کاربرد برای توسعه سیاست‌ها، تغییر روش‌های فرزندپروری و اضافه شدن به نظریه‌های موجود در این زمینه را دارد.

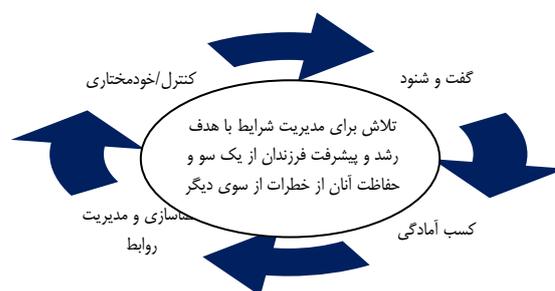
علاوه، یافته‌های مطالعه بهرامی نشان داد که ناتوانی خانواده در کنترل نوجوان می‌تواند زمینه‌ساز برقراری رابطه با جنس مخالف باشد (۱۹). همان گونه که در ابتدای بحث در مورد زمینه‌های فرزندپروری به اجمال اشاره شد، در تحقیق حاضر نیز ترس از آسیب‌های اجتماعی یکی از زمینه‌های مهم و تعیین کننده در فرایند فرزندپروری، از جمله کنترل، بود و در عین حال با اهداف ایجابی و مثبت فرزندپروری نیز اعمال می‌شد.

فرایند سوم نظریه حاضر، فضا سازی و مدیریت روابط بود. این فرایند اغلب به منظور ایجاد شرایط رشد، پیشرفت و کسب مهارت، سازمان یافته و اعمال گردید. در این فرایند والدین متناسب با نیازها، مقتضیات سنی و شرایط اجتماعی اقدام به فضا سازی و مدیریت روابط می‌کنند.

والدین ضمن تأکید و توجه بر آموزش رسمی و تأثیر آن بر رشد و پیشرفت فرزندان، تلاش بسیاری برای ایجاد و مدیریت فضاهایی می‌نمایند که در آن رشد و پیشرفت فرزندان خود را از جنبه‌های متفاوت ارتقا داده و تسهیل کنند. اهم آن‌ها ایجاد فضای عاطفی / معنایی بین والدین و فرزندان، یافتن خانواده‌های مناسب و معاشرت‌های خانوادگی با آنان، تسهیل ارتباط با گروه همسالان و گروه مرجع است. در ضمن اغلب خانواده‌هایی که فرزندان جوان، نوجوان و یا در آستانه نوجوانی داشتند، درصد ایجاد فضاهای کنترل شده برای آشنایی فرزندان خود با همسالان غیر همجنس بر می‌آمدند. رشد دوستی با هم‌تایان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رشد اجتماعی کودکان است. در فرایند روانی اجتماعی، همه کودکان عادی از چهار مرحله می‌گذرند: ۱- خود-همنشینی (شیرخواری و نوپایی)، ۲- دو جنس‌گرایی اجتماعی دوره کودکی (۲ تا ۷ سالگی)، ۳- همجنس‌گرایی اجتماعی (۸ تا ۱۲ سالگی)، ۴- دو جنس‌گرایی اجتماعی دوره نوجوانی و بزرگسالی (۱۳ سال و بیشتر)، (۳). همان طور که اعمال کنترل و محدودیت، بیشتر معطوف به جنبه سلبی فرایند اجتماعی شدن با هدف حفظ فرزندان از مشکلات و مخاطرات، به خصوص مخاطرات اجتماعی درک شده والدین بوده است، فضا سازی و مدیریت روابط ماهیت اثباتی داشته و معطوف به هدف رشد و پیشرفت فرزندان است. لازم به ذکر

تشکر و قدردانی

این مقاله نتیجه طرح تحقیقاتی مصوب مرکز تحقیقات سلامت مبتنی بر مشارکت جامعه دانشگاه علوم پزشکی، خدمات بهداشتی و درمانی تهران به شماره قرارداد ۱۵۲۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۵ است. همچنین، از شرکت کنندگان در تحقیق صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.



شکل ۱. نظریه مبنایی اجتماعی شدن فرزندان در تجارب والدین

References

- Giddens A. Sociology. Trans. Sabori M. Tehran, Iran: Ney Publications; 2004. p. 67. [In Persian].
- Saroukhani B. An introduction to family sociology. Tehran, Iran: Soroush Publications; 2013. p. 123. [In Persian].
- Rice PF. Human development. Trans. Foroughan M. 7th ed. Tehran, Iran: Arjmand Publications; 2013. p. 236. [In Persian].
- Nazoktabar H, Molania Jelodar S, Hoseini Dronkolaei Z. Issues and interventions of children of divorce in Iran: A meta-analysis of articles. *Woman and Family Studies* 2016; 3(2): 121-49. [In Persian].
- Giddens A. Beyond left and right. Trans. Slasi M. Tehran, Iran: Elmi Publications; 2008. p. 18. [In Persian].
- Coser L. Masters of sociological thought. Trans. Salasi M. Tehran, Iran: Elmi Publications; 2014. p. 192. [In Persian].
- Ministry of Culture and Islamic Guidance. National survey of Iranian values and attitudes. Tehran, Iran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2002. [In Persian].
- Shahamat F, Sabeti A, Rezvani S. A study of the relationship between child-rearing styles and early maladaptive schemata. *Journal Studies in Education & Psychology* 2011; 11(2): 239-54. [In Persian].
- Besharat MA, Azizi K, Hosseini A. The relationship between parental perfectionism and parenting styles. *Journal of Research in Educational Systems* 2011; 4(8): 9-29. [In Persian].
- Elyasi MH. Measuring the relation of generational gap with father's child rearing method. *Journal of Youths, Culture and Society Research* 2007; (1): 25-40. [In Persian].
- Talei A, Tahmasian K, Vafai N. Effectiveness of positive parenting program training on mothers' parental self-efficacy. *Journal of Family Research* 2011; 7(27): 311-24. [In Persian].
- Mirzabeigi H. The Effectiveness of training how to bringing up children based on Iranian culture on parents' growing methods and children's achievements. *Educational Development of Jundishapur* 2013; 4(6): 74-82. [In Persian].
- Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 2008.
- Schwandt TA, Lincoln YS, Guba EG. Judging interpretations: But is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *New Directions for Evaluation* 2007; 2007(114): 11-25.
- Navabakhsh M, Fathi S. Parenting practices and children's social compatibility. *Journal of Pazhuhesh-Dini (Religious Study)* 2011; (22): 33-64. [In Persian].
- Bagheri F. Parent-Child Relationship Patterns Parenting Theoretical Model Based on Islamic world view and concept of the human nature. *Biennial Journal Educational Science from Islamic Point of View* 2013; 1(1): 1-40. [In Persian].
- Young JE, Klosko JS, Weishar ME. Schema therapy. Trans. Hamidpour H, Andouz Z. Tehran, Iran: Arjmand Publications; 2007. p. 35. [In Persian].
- Rahimi M, Zare M. The relationship between family communication dimensions and academic goal orientation. *Psychology & Educational Science* 2013; 1(1): 9-23. [In Persian].
- Bahrami N. Exploring of relationship process with the opposite sex in iranian adolescents: Development and psychometric evaluation of questionnaire [PhD Thesis]. Tehran, Iran: School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences; 2016. [In Persian].
- Evans GW. Child development and the physical environment. *Annu Rev Psychol* 2006; 57: 423-51.
- Mohammadpour A, Taghavi N. The social factors of rising age of marriage. *Journal of Sociological Studies* 2013; 5(20): 39-53. [In Persian].

Explaining Children Socialization Process Based on Parents' Experiences

Jafar Navaei¹, Reza Negarandeh²

Original Article

Abstract

Introduction: Until today, the training of children has long been a major concern for parents. Hence, this study aimed to explain children socialization process based on parents' experiences.

Method: This study was conducted using grounded theory approach. Participants were 30 parents living in Tehran City, Iran, selected via purposeful and theoretical sampling methods. Data were gathered via in-depth and semi-structured interviews during 2013-2014. Data were analyzed using Corbin and Strauss method.

Results: Four main processes including "dialogue", "control", "creating situation and managing relationships", and "acquisition readiness" were emerged. While a good quality of dialogue patterns was used in some families, others did not believe on the function of dialogue. In other cases, the dialogue would be transformed to monologue. The control was done in different ways and pursues to protect children from social threats. Creating managed situation was a strategy used by parents to create, maintain, and promote desired behaviors and also to eliminate or alter undesired behaviors. Finally, given that the majority of parents were not prepared enough for parenting, they got readiness in the face of problems in different ways.

Conclusion: Generally, based on the findings of this study, the most important emphasize of parents in the process of parenting is protect children from the dangers and at the same time, trying to facilitate their progress by control and management of situation.

Keywords: Parenting, Socialization, Grounded theory, Parents, Iran

Citation: Navaei J, Negarandeh R. **Explaining Children Socialization Process Based on Parents' Experiences.** J Qual Res Health Sci 2016; 5(4): 376-86.

Received date: 17.12.2016

Accept date: 13.11.2016

1- Community-Based Participatory Research Center, Iranian Institute for Reduction of High-Risk Behaviors, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2- Professor, Nursing and Midwifery Care Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Corresponding Author: Reza Negarandeh, Email: megarandeh@tums.ac.ir